

نوا

کلاس آشنایی با موسیقی ایرانی



از نیمه دوم اردیبهشت ماه در خانه موسیقی کلاس آشنایی با موسیقی ایرانی توسط آروین صداقت کیش پژوهشگر، نویسنده و منتقد موسیقی برگزار خواهد شد.این برنامه صرفا برای آشنایی بیشتر علاقمندان هنر جوانان با موسیقی و دستگاه‌ها و گوشه‌های موسیقی ایرانی است و به همت و کمک کانون پژوهشگران خانه موسیقی در خانه موسیقی طی ۱۲ جلسه برگزار خواهد شد. به گفته مدرس دوره: «در این دوره شرکت کنندگان به شکل مختصر با دستگاه‌های موسیقی ایرانی آشنا می‌شوند (هر دستگاه یا آواز یک جلسه) و یاد می‌گیرند چطور آن را تنها با شنیدن تشخیص بدهند. گوشه‌های مهم هر دستگاه را می‌شناسند و بعضی از اجراهای کلاسیک و پر جسته هر کدام را می‌شنوند.»

توصیه به کاهش نقاط ضعف و کاستی‌های احتمالی

دیر جشنواره موسیقی فجر ابقاشد

شاهین فرهت، دبیر سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر شد. در حکم او سید مجتبی حسینی، معاونت هنری وزیر ارشاد، نوشته است: «امید است با بهره‌مندی از تجارب حاصل از دوره پیشین و با اهتمام دست‌اندر کاران جشنواره، نقاط قوت و ویژگی‌های و جسته جشنواره تقویت و در کاهش نقاط ضعف و کاستی‌های احتمالی آن تلاش شود.

نو نوا

در گیسوی او پیچید



آهنگساز: امیر شریفی
خواننده: مجتبی عسگری
تار و سه تار: امیر شریفی
کمانچه و کمانچه آلتو: امیر ارادانه
عود: آرش سعیدیان
نی: هوشمند عبادی
سنتور: محمد عشقی
تمبک: سهیل اله‌دادیان
قانون: مر جان مهربان
ناشر: موسسه ماهور

درباره این اثر به قلم، امیر شریفی می‌خوانیم: «گروه نقش به لحاظ استفاده از عناصر ایجاد فرم، ادوار ايقاعی، تلفیق شعر و موسیقی، بهره‌یز از بداهه‌خوانی و بداهه‌نوازی و طراحی و ساخت بسیار دقیق آوازها و جواب آوازها، بالا بردن چگالی مدال در هر قطعه و در کل اثر، به وضوح از مرزها و زیبایی‌شناسی رایج قاجاری در موسیقی دستگاهی فراتر می‌رود. این عبور آگاهانه از مرزهای مستحکم و تثبیت شده موسیقی دستگاهی با نیت احیای امکانات فراموش شده موسیقی پیشاقاجاری بار جوع به امکانات ثبت شده در رسالات سنت موسیقایی دوره تیموری- صفوی صورت پذیرفته است. قطعات سی دی دوم این مجموعه بیشتر با بهره‌گیری از امکانات بالقوه و بالفعل موسیقی دستگاهی ساخته شده است. در ساخت این قطعات، بار جوع به دو منبع اصلی که یکی امکانات بالقوه در باطن نظام دستگاهی و دیگری فرم‌های موجود در ادبیات کلاسیک ایران است، در پی گسترش هر چه بیشتر مواد و مصالح قابل استفاده در ساخت قطعات بودایم. از این رو در سی دی دوم همچنان پیوند خود را با موسیقی قاجاری برقرار نگاه داشته‌ایم. نگاه داشت این اتصال نشانه‌ای از احترام و قدرشناسی و عشق ما نسبت به دستاوردهای جدی و هنری و موسیقیدانان موسیقی دستگاهی ایران است؛ احترامی البته همراه با نگاهی نقادانه با تلاش برای برطرف کردن ضعف‌ها و ارتقا به روز نمودن موسیقی دستگاهی.»

جای پرش اینجاست که چرا راه‌های چند بار رفته و طی شده که هیچ تأثیری بر بهبود کیفیت آموزش موسیقی و تربیت مخاطب نداشته است دوباره برگزیده می‌شود و چرا در نگاه مدیران شیوه اصلاح از راه محدودیت و فشار بر اهالی می‌گذرد؟

هستند یعنی او به نوعی حاصل سال‌ها تدریس خویش را زیر سوال می‌برد. اما در سخنان نوربخش محور اصلی دفاع مدیر عامل خانه موسیقی از تعیین صلاحیت مربیان برای آموزش موسیقی جای خویش را به سهم خواهی و یادآوری قدرت از دست رفته این خانه داده است. در شرایطی که نماینده‌ای از انجمن صنفی هنرمندان موسیقی در این جلسه حضور ندارد تا به عنوان نهاد صنفی از حقوق کلیه مربیان و مدرسان موسیقی در آموزشگاه‌های آزاد دفاع کند و اشتغال آزاد را حق هر کسی بداند و در مخالفت با این طرح که در گذشته نیز به نوع دیگری پیاده شده است و البته عاقبت به کناری نهاده شد سخنرانی کند. و البته جای پرسش اینجاست که چرا راه‌های چند بار رفته و طی شده که هیچ تأثیری بر بهبود کیفیت آموزش موسیقی و تربیت مخاطب نداشته است دوباره برگزیده می‌شود و چرا در نگاه مدیران حاضر در این جلسه و از این دست جلسات شیوه اصلاح از راه محدودیت و فشار بر اهالی می‌گذرد؟

حمید رضا نوربخش مدیر عامل خانه موسیقی: «امروز در موسیقی با ناهنجاری روبه‌رو هستیم و یا گوش مردم آسیب دیده مشکل از آموزش است چرا که آموزش از اصول بنیادی در حوزه موسیقی به شمار می‌رود. بخش آموزش در تمام این سال‌ها دغدغه ما بوده و مسئولیت آن به ما سپرده شده بود، اما در اواخر دولت نهم بدون دلیل این بخش از خانه موسیقی گرفته شد و ما هر چقدر گفتگو کردیم، اعتراض کردیم و فریاد زدیم به جایی نرسید. امروز ما شاهد آموزشگاه‌هایی هستیم که واجد صلاحیت نبوده و با پروانه‌هایی که به راحتی دست به دست می‌شود، مواجهیم که باید بجد پیگیری و اصلاح شود چون جزو چالش‌های اصلی و جدی به شمار می‌رود.»

اهداف و منافع سخنرانان هر چند با یکدیگر متفاوت است، اما به صورت کلی بر ضرورت ایجاد چنین سامانه‌ای صحه می‌گذارد و آن را لازم می‌پندارد. لازم بودنی که در سخنان خانم قوام صدری به نوعی دلسوزی برای هنر جوان و جامعه آموزشی و ارتقای کیفیت آموزش است و در سخنان دیگران به نوعی به انحصار در آوردن امر آموزش موسیقی را نشان می‌دهد.

حتی سخنان داوود گنج‌های و وضعیت متناقضی را نیز نشان می‌دهد او از ساماندهی و تعیین صلاحیت شدن مربیان آموزشگاه‌های آزاد خرسند است چرا که از وضعیت فعلی ناراضی است و میزری در این باره را راهگشا می‌داند هر چند خود معترف است که شاگردان او اکنون مدرسین امروزی



از این دست فعالیت‌ها ادامه داشته باشد.»

داوود گنج‌های: «چنانکه دکتر ریاحی گفت، فعالیت‌های مناسبی در معاونت هنری انجام شده است. خوب است که بعد از ۴۰ سال متوجه شدیم آموزش رکن اصلی فرهنگ‌سازی بوده و به مانند اقتصاد نیست، مملکت ما نیاز به فرهنگ‌سازی دارد. مادر ۵۰ سال گذشته مرکز فرهنگ و حفظ اشاعه را راه‌اندازی کردیم و امروز نتایج آن را که استادان امروزی هستند، شاهدیم این روز را که مقارن با روز معلم است به خودمان تبریک می‌گوییم و امیدوارم شاگردان آگاهی تربیت کنیم.»

بد نیست به سخنان ایراد شده در مراسم رونمایی نیز دقیق شویم تا درک بهتری از شرایط منجر به ایجاد چنین سامانه متمرکزی در معاونت هنری و مطالبات برخی همکاران این معاونت را در راه‌اندازی این سامانه به دست آوریم.

فریمه قوام صدری: «من یک معلم ساده هستم و قطعاً آرزوی هر معلمی همیشه پیشبرد راه آموزش بوده و هست.»

حسن ریاحی: «خوشبختانه این روزها شاهد رخ دادن اتفاقات خوب، برنامه‌ریزی شده و منظم به نفع هنرمندان در معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هستیم که جای تبریک و تشکر دارد و امیدوارم

دفتر آموزش و توسعه فعالیت‌های فرهنگی و هنری معاونت هنری وزارت ارشاد به عنوان متولی اصلی ساماندهی، سیاست‌گذاری، الگوسازی و اجرای فرآیندهای آموزش هنر در کشور است و به منظور تضمین کیفیت سطح آموزش در آموزشگاه‌های آزاد هنری، همچنین استفاده از توانمندترین مدرسان، سامانه‌ای طراحی و راه‌اندازی کرده است. اگر تنها به این خبر بسنده کنیم تا اینجا کار درباره رگولاتوری و سازمان‌دهی آموزشگاه‌های آزاد هنری است؛ مقوله‌ای که ارشاد به عنوان متولی آن (بد یا خوب بماند) از دیر باز شناخته شده اما



بینا یاری

سامانه کارت صلاحیت تدریس مربیان آموزشگاه‌های آزاد هنری هفته گذشته رونمایی شد. سامانه‌ای که به گفته معاون هنری وزیر ارشاد در مراسم رونمایی کاری بزرگ و اساسی (!) است و به همت دفتر آموزش معاونت هنری هر چند دور و دیر اما بالاخره انجام گرفته و قرار است از این پس تنها دارندگان کارت مربی تعیین صلاحیت شده به عنوان مدرس شاغل در آموزشگاه‌های آزاد هنری پذیرفته شوند.

استکاتو

معضلی در اولویت پخش و تکرار آهنگ‌ها در رسانه‌ها

«PAYOLA» یا پول می‌دم آهنگم رو پخش کن

و تغییر تکنولوژی صورت‌های مختلفی به خود گرفته‌اند، اما کارکردشان تقریباً همیشه ثابت مانده است. از اوایل قرن بیستم تا اواخر دهه ۸۰ رادپوها بزرگ‌ترین پخش‌کننده موسیقی بودند. هر کدام از ایستگاه‌های رادیویی DJ‌هایی داشتند که بنا به سلیقه و دانش خود نوعی از موسیقی مانند، R&B، Jazz، Country را برای مخاطب خود پخش می‌کردند و مسلماً از راه پخش آگهی در آمدازی داشتند. در واقع این DJ‌ها بودند که با توجه به هوش و درک بالای خود از موسیقی، آهنگ‌های مختلف موجود در بازار را (که در آن زمان به صورت صفحه‌های گرامافون بود) انتخاب می‌کردند تا مخاطبان بیشتری را به سمت خود بکشانند و البته مهم‌تر از آن باعث فروش بیشتر آن آهنگ‌ها در بازار می‌شدند. از این رو، شرکت‌های تولید موسیقی هم بخشی به نام Promotion داشتند که وظیفه‌اش ملاقات با DJ‌ها و ارائه آهنگ‌ها به آنها بود. ولی در نهایت این DJ‌ها بودند که بنا به سلیقه خود آهنگی را برای پخش انتخاب می‌کردند. در میان همین ارتباطات بود که Payola شکل گرفت. به این صورت که Promoter ها به DJ برای مثلاً ۱۰ بار پخش در هفته مبلغی را به صورت زیرمیزی پرداخت می‌کردند. این مبلغ بسته به پر مخاطب بودن ایستگاه رادیویی و DJ متفاوت بود، اما هر چه بود بسیاری از DJ اعتبار

شرکت‌های پخش‌کننده پرداخت و مخاطب هم با شنیدن آهنگ ترغیب به خرید آهنگ یا رفتن به کنسرت آن هنرمند می‌شود؛ اما چند نکته در این مورد قابل تأمل است:

■ پدیده Payola با تبلیغات فرق دارد. به این صورت که در تبلیغات مخاطب می‌داند که این آهنگ جزو انتخاب طبیعی وب‌سایت، ایستگاه رادیویی یا تلویزیونی نیست، اما در Payola مخاطب در واقع فریب داده می‌شود.

■ با پخش آهنگ‌هایی بی‌کیفیت در کانال‌های شناخته شده و پر مخاطب، فضا برای هنرمندان توانا و خلاق تنگ‌تر شده و فرصت شنیده شدن را از دست می‌دهند. ■ پدیده Payola باعث می‌شود که اعتباری که وب‌سایت یا شبکه به عنوان نماینده یک جریان موسیقی کسب کرده است به خطر بیفتد. علاوه بر آن باعث می‌شود مخاطب نسبت به آن جریان موسیقی دچار سرخوردگی شود. به طور مثال وب‌سایتی که همیشه به بهادادن به خلاقیت معروف بوده



است، ناگهان اقدام به پخش آهنگی می‌کند که از کارهای کپی شناخته شده است. ■ پدیده Payola باعث سلیقه‌سازی کاذب در مخاطب می‌شود. به این صورت که ذهن مخاطب با شنیدن چندباره یکسری آهنگ با کیفیت پایین، کم‌کم به آن عادت کرده و خوی گیرد و در نتیجه توانایی خود را در شنیدن آثار بهتر از دست می‌دهد. خوشبختانه با گسترش اینترنت و ارائه مستقیم آثار توسط هنرمندان گام مثبتی در شکسته شدن این فضا برداشته شده است، اما رسانه‌ها همچنان نقش زیادی در عادت روزانه موسیقی مردم از جمله در ایران بازی می‌کنند. در مورد موسیقی رپ ایران هم این قضیه می‌تواند صادق باشد. هر چند وجود Payola در میان وب‌سایت‌ها و شبکه‌های پخش موسیقی رپ فارسی تقریباً محرز است، ولی مسلماً نمی‌توان در مورد آن اظهار نظر قطعی کرد. اظهار نظر در این مورد نیازمند تحقیق بی‌طرفانه و در ادامه اطلاع‌رسانی آن توسط فعالان رپ فارسی است.

بهر روز آفاخانیان

موسیقی به عنوان یک صنعت پدیده است مخصوص به دنیای مدرن. صنعتی که موسیقی به عنوان محصول هنری، تنها یکی اجزای آن است. مانند بسیاری دیگر از پدیده‌های دنیای مدرن، نوع تکامل یافته صنعت موسیقی به همراه تمامی کسب و کارهای اطراف آن را می‌توان در تاریخ مدرن ایالات متحده جستجو کرد. کشوری که پیشوند صنعت را برای اولین بار جلوی اشکال مختلف هنر مانند سینما و موسیقی قرار داد و آنها را تبدیل به کسب و کارهایی پرسود کرد. در این یادداشت به یکی از آسیب‌های شناخته شده صنعت موسیقی از جمله هپ‌هاپ یعنی Payola که اولین بار در آمریکا بر سر زبان‌ها افتاد، نگاهی می‌اندازیم. البته این مساله اکنون تنها محدود به صنعت‌های هنری در آمریکا نیست و کشور ما نیز به گونه دیگری با این مساله درگیر است.

دو گروه در صنعت موسیقی عصر مدرن نقش عمده را بازی می‌کنند. اول: شرکت‌های تهیه‌کننده موسیقی یا Record Lable ها هستند که با همکاری هنرمندان محصولی مانند تک آهنگ یا آلبوم را تولید می‌کنند و دوم: شرکت‌های رسانه‌ای پخش هستند که این محصول را به مخاطب ارائه می‌کنند. این دو نقش در طول سال‌ها با رشد کسب و کار